

## نگاهی فقهی و حقوقی به تنبیه بدنی دانش آموزان

سیده فاطمه موسوی

دانشجوی کارشناسی، آموزش ابتدایی، پردیس الزهرا (س)، دانشگاه فرهنگیان سمنان

سید ابوالفضل خیام شهرکی<sup>۱</sup>

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز شهرکرد

### چکیده

تنبیه یکی از روش‌های تربیتی است که با داشتن شرایطی که بتواند بر خروج از مسیر انحراف متری تأثیر بگذارد و از سوی روانشناسان و متخصصان جایز دانسته شده است. امروزه یکی از مسائل پراهمیت در آموزش و پرورش، بحث تنبیه دانش‌آموزان است. با توجه به اهمیت موضوع، مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، از دیدگاه فقهی و حقوقی به بحث تنبیه بدنی دانش‌آموزان پرداخته است. ابتدا انواع تنبیه مثبت و منفی بیان شد. سپس به بررسی دیدگاه فقه امامیه در این باره پرداخته شد و مشخص گردید که فقها، تنبیه بدنی دانش‌آموز را مشروط به داشتن جواز از سوی والدین و عدم ایجاد کبودی و سرخی روی بدن، مجاز دانسته‌اند. در نهایت این موضوع از زوایای قانونی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجتاً مشخص گردید که هرگونه تنبیه بدنی دانش‌آموز توسط معلم و کارکنان مدرسه به دستور قانون ممنوع است و در صورت بروز چنین اتفاقی، اولیای دانش‌آموز می‌توانند دعوی خود را در دادسرا و هیات رسیدگی به تخلفات اداری مطرح نمایند.

واژگان کلیدی: تربیت، تنبیه بدنی، تنبیه دانش‌آموز، فقه تربیتی

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: abolfazlkhayam77@gmail.com

بر کسی پوشیده نیست که پیشرفت و تعالی جوامع در گرو آموزش و پرورش صحیح و کارآمد است و روز به روز بر روش‌های تربیت و آموزش صحیح دانش‌آموزان و روش‌های برخورد روحی و روانی با حالات مختلف دانش‌آموز افزوده می‌شود. قلب تپنده هر کشور دانشمندان و اندیشمندان امروزند که دانش‌آموزان دیروز بوده‌اند و دانش‌آموزان امروزند که دانشمندان فردا خواهند بود؛ لذا اهمیت پژوهش و تحقیق در خصوص مسائل تربیتی و آموزشی مشخص است. تربیت در لغت به معنای پروردن، پروراندن، پرورش دادن و ادب و اخلاق به کسی یاد دادن آمده است (عمید، ۱۳۷۵) و در اصطلاح تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

تربیت ابعاد مختلفی از جمله عاطفی، شناختی، حرکتی-جسمانی، اجتماعی، اخلاقی و هنری دارد. می‌توان ادعا نمود که تمام ابعاد تربیتی به یکدیگر مرتبط بوده و برهم اثرگذارند؛ لذا، نادیده گرفتن یکی از ابعاد تربیتی متربی می‌تواند آثار زیانباری بر شخصیت وی بگذارد. از طرفی مدرسه یکی از سه نهاد تربیتی (خانواده، مدرسه و اجتماع) است که فرد به‌عنوان پذیرنده تربیت در آن قرار می‌گیرد. به‌علاوه، مدرسه تنها محیط تربیتی است که هم می‌تواند نقش خانواده و هم نقش اجتماع را بازی کند و بزرگترین تأثیر بر رشد تربیتی و علمی فرد را داراست. در مدرسه هم می‌توان مدعی شد که معلم نزدیک‌ترین ارتباط با دانش‌آموز را دارد. بدین سان نقش سازنده و تربیتی معلم قابل چشم‌پوشی نیست.

گاه مشاهده می‌شود که کارکنان مدارس و معلمان با برخی دانش‌آموزان آن‌هم به دلایلی نظیر بدرفتاری دانش‌آموز یا انجام رفتارهایی برخلاف مقررات داخلی مدارس، رفتار مناسبی ندارند و از تنبیه‌های روحی، روانی و بدنی نادرست استفاده می‌نمایند. و گاه از تنبیه به عنوان ابزاری تربیتی برای جلوگیری از تکرار رفتار ناپسند بهره می‌برند. این دسته از رفتارها از سوی معلمان نتایج نامناسب روحی و روانی برای دانش‌آموز بدنبال دارد و آثار نامطلوب آن بر آینده دانش‌آموز نیز قابل انکار نیست. مقاله حاضر نیز به بررسی همین‌گونه رفتارها از سوی کارکنان مدارس با دانش‌آموزان از زاویه‌ای جدید یعنی از دیدگاه فقهی و حقوقی می‌پردازد.

مقاله حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است و روش جمع‌آوری مطالب به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای از کتب و مقالات مرتبط با موضوع، با جستجو عباراتی چون تنبیه بدنی دانش‌آموز، تربیت، مربی و متربی، بدرفتاری با دانش‌آموز، مدارس، معلمان، روش‌های تربیتی و آموزش و پرورش بوده است. همچنین مقالات مربوطه از طریق سامانه‌هایی همچون سیویلیکا، نورمگز، Google Scholar، SID و پرتال جامع علوم انسانی انتخاب و بارگیری شدند. سپس از ترکیب یافته‌ها منتخب و تحلیل و بررسی آن‌ها، به پرسش‌های اساسی مقاله که هدف اصلی نگارش مقاله حاضر هستند، پاسخ داده شد.

از دقت در داده‌های منتخب و مطالب فوق‌الذکر سوالات متعددی به ذهن متبادر می‌گردد. برخی از این پرسش‌ها عبارتند از: انواع تنبیه‌ها کدامند؟ آیا تنبیه مجاز در آموزش و پرورش وجود دارد؟ برای تنبیه روانی و بدنی دانش‌آموز و کودک در فقه امامیه چه دستوراتی وجود دارد؟ قانون در این خصوص چه نظرات و مقرراتی دارد؟ آیا در صورت وقوع تنبیهات بدنی، اولیای دانش‌آموز می‌توانند از کارکنان خاطی مدرسه شاکی باشند؟ اگر بله، مرجع رسیدگی به شکایت آن‌ها کجاست؟ هدف از نگارش مقاله حاضر پاسخ به پرسش‌های مطروحه با در نظر گرفتن هدف اصلی بحث یعنی بررسی فقهی و حقوقی تنبیه دانش‌آموزان علی‌الخصوص دانش‌آموزان مقطع ابتدایی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است تا روش تحقیق با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهشی و منابع مورد استفاده به‌طور دقیق و جامع انتخاب گردد و تجزیه و تحلیل یافته‌ها با حساسیت بالا صورت پذیرد تا خوانندگان به قطعیت نتایج، اطمینان حاصل کنند.

## تنبيه

برای تنبيه تعاریف متعددی ارائه شده است که اشتراکاتی با یکدیگر دارند اما به طور کلی مقصود از تنبيه اتخاذ روشی است که به وسیله آن فرد را نسبت به رفتار نادرست و زشت خود آگاه نموده و او را از انحراف و زشتی بازداشت (مردانی نوکنده و عنایتی، ۱۳۹۴). زمانی که واژه تنبيه به گوش می‌رسد، تنها مفاهیم مجازات، تحقیر، کتک زدن و آزار روانی که همگی بار منفی دارند به ذهن متبادر می‌گردد؛ لکن، با دقت بیشتر در مفهوم تنبيه و چرایی وجود تنبيه می‌توان دریافت که تنبيه یک ابزار تربیتی است و روش تنبيه ناصحیح می‌تواند آثار نامطلوبی بر فرد بگذارد. این نحوه بکارگیری تنبيه است که می‌تواند آثار منفی و مثبتی از خود بر جای بگذارد. استفاده از تنبيه در امر تربیت همواره مخالفان و موافقانی داشته است با این تفاوت که در گذشته موافقان بیشتری داشته ولی اکنون مخالفان بیشتری دارد. معروف است که روانشناسان تنبيه (دست کم تنبيه بدنی) را جایز نمی‌دانند و عدم کارایی و یا اثرات و مضرات جانبی آن را دلیل بر این عقیده می‌دانند. ولی باید گفت اولاً، چنین نیست که تنبيه کارایی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبيه اصلاح‌گر است به طوری که عموم مولفان در زمینه اصلاح رفتار تنبيه را به عنوان یکی از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند و ثانیاً، در مواردی که تنبيه اصلاح‌گر نباشد، حداقل اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی برای دیگران دارد که این خود اثری کمی نیست.

به علاوه، مواردی هست که رفتار ناصحیح باید فوراً متوقف گردد؛ چرا که اگر متوقف نشود اثرات جبران‌ناپذیری را بار خواهد آورد. در این صورت است که تنبيه، خصوصاً تنبيه بدنی تنها راه ممکن است؛ زیرا سایر روش‌ها زمان زیادی را برای اصلاح و یا توقف رفتار نامطلوب لازم دارند و از این روست که یکی از مزیت‌های روش تنبيه بر سایر روش‌ها را فوریت تاثیر آن می‌دانند. بدین جهت غالب روانشناسان، حتی کسانی که با تنبيه مخالف هستند، در مواردی تنبيه را، حتی تنبيه بدنی را، جایز می‌دانند. بنابراین چنین نیست که از نظر روانشناسان تنبيه بدنی تماماً ممنوع باشد. تنبيه را با معیارهای مختلف و از زاویه دیدهای متفاوت به دسته‌بندی‌های مختلفی تقسیم می‌کنند: مثلاً تنبيه بدنی و تنبيه روانی. اما به طور کلی تنبيه را بر اساس نتایج و آثاری که برای فرد خاطی به دنبال دارد می‌توان بر دو قسم تنبيه مثبت و تنبيه منفی تقسیم‌بندی کرد.

## ۱- تنبيه مثبت

تنبيه مثبت رفتاری تربیتی است از سوی مربی نسبت به متربی که باعث تغییر رفتار وی از کجروی و انحراف به رفتارهای صحیح می‌شود. در تنبيه مثبت که به ترور کار بد هم معروف است، بجای ترور شخصیت فرد خاطی، باید کار بدی که انجام داده است مورد تقبیح و سرزنش قرار بگیرد. یعنی اگر کار بدی را انجام داده، مثلاً لیوان آب را ریخته است، به او گفته شود: این چه کاری بود که کردی؟ یعنی کارش مورد مزمت قرار گرفته است و نه خودش. به عبارت دیگر، در تنبيه مثبت متربی متوجه می‌شود که علت تنبيه شدنش رفتاری بوده که انجام داده است. در زمان تنبيه، نباید طوری با فرد خاطی رفتار شود که فکر کند مربی او را دوست ندارد؛ نه، بلکه باید مربی طوری با او رفتار کند که او بفهمد، رفتار بدش را دوست ندارد؛ در واقع به خود او علاقه دارد، ولی به کار بد او علاقه ندارد. این تنبيه، تنبيه مناسب است. این روش در همه سنین مناسب است؛ یعنی از زمانی که بچه‌ها متوجه منظور مربی می‌شوند تا زمان بزرگسالی، این روش کاربرد دارد.

## ۲- تنبيه منفی

در مقابل تنبيه مثبت یا همان ترور کار بد، تنبيه منفی وجود دارد که به ترور شخصیت معروف است. در اینگونه تنبيه، هنگامی که فرد عمل اشتباهی انجام می‌دهد، معلم یا والدین وی به عنوان مربی او، به جای سرزنش کردن رفتار ناصحیح و تقبیح عمل ناپسند وی، خود فرد خاطی را مورد آزار ذهنی و بدنی قرار می‌دهند، به طوری که فرد گمان می‌کند مربی خودش را دوست ندارد و این شروع تخریب شخصیت متربی است. مثلاً وقتی فرزندی در خانواده یک لیوان آب را می‌ریزد و والدین به او می‌گویند: تو چقدر بچه بدی هستی! یا صدایش می‌کنند و به او سیلی می‌زنند! به این کار، ترور شخصیت می‌گویند. این نوع

تنبيه روح و روان فرد را تحت تأثير قرار می‌دهد و حتی اگر تنبيه بدنی هم باشد، اثری که بر روان فرد خاطمی (متربی) می‌گذارد بسیار سنگین‌تر و خطرناک‌تر از اثری است که بر جسم وی گذاشته می‌شود.

تنبيه بدنی از لحاظ روحی و روانی آسیب‌هایی را به کودک وارد می‌سازد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر تنبيه کنند، بچه‌ها اصلاح می‌شوند. باید به آن‌ها گفت: این طور نیست، تنبيه کردن، حکم مُسکن را دارد. باید به این نکته دقت کرد که اگر دانش‌آموز یا فرزندى به خاطر پرخاشگری تنبيه بدنی شود، آیا پرخاشگری او درمان می‌شود؟ قطعاً درمان نمی‌شود. این فرزند مثل کسی است که گلوی او عفونت کرده و تب می‌کند، ولی او فقط قرص تب بر می‌خورد؛ با این حال آیا گلوی او خوب می‌شود؟ نه؛ بلکه این عفونت گسترش پیدا می‌کند. در مورد تنبيه بدنی نیز همین‌گونه است. وقتی اثر سیلی از بین رفت، رفتار او بدتر می‌شود و در این جا به گمان بعضی‌ها باید او را بیشتر کتک زد و این چرخه باطل ادامه پیدا می‌کند و یک رفتار ناپسند به‌خاطر روش تربیتی ناصحیح به ناهنجاری دائمی در فرد تبدیل می‌شود.

### بررسی فقهی تنبيه دانش‌آموز

در دیدگاه فقها اصطلاح خاصی درباره تعریف تربیت وجود ندارد و مقصود فقها از به کار بردن این واژه، طبعاً همان معنای لغوی تربیت است (نجفی، ۱۳۶۲). گفته شد که یکی از روش‌های تربیتی که به کار گرفته می‌شود تنبيه است. در مدارس نیز معلمان و کارکنان مدرسه همانند اولیاء دانش‌آموز و در نقش مربی و پرورش‌دهنده او، گاه از تنبيه به‌عنوان ابزار تربیتی استفاده می‌کنند؛ هرچند که ممکن است برخی تنبيه‌ها جنبه تربیتی نداشته باشد و به مشکلات و خشونت معلم بازگردد. تنبيه هم حالات و روش‌های متعددی دارد که شدیدترین آن تنبيه بدنی است. در فقه، تنبيه بدنی کودکان، جایز نیست، زیرا اولاً، خداوند انسان را آزاد آفریده است و کسی بر دیگری تسلطی ندارد، و ثانیاً، تنبيه و آسیب رساندن به دیگری، اذیت و ظلم به اوست و این اعمال در شرع مقدس اسلام نهی شده است، مگر آن‌که خداوند اجازه دهد.

لکن، تنبيه کودک در برخی موارد جایز است، از جمله این موارد جایی است که کودک رفتاری را انجام دهد که اگر فرد بزرگسالی مرتکب می‌شد، مستحق مجازات حد یا تعزیر می‌گردید، که این قسم از تنبيه که از آن به‌عنوان تعزیر یاد می‌شود، وظیفه حاکم شرع و دادگاه صالح است. همچنین برای تربیت کودک و نیز به جهت ارتکاب خطا و امور خلاف اخلاق، جایز است کودک با رعایت برخی موارد تنبيه شود. در روایات بسیاری تادیب و تنبيه کودکان بخاطر ارتکاب برخی از جرایم مجاز دانسته شده است و فقها بر طبق آن فتوا صادر کرده‌اند. برخی از این جرایم و اعمال عبارتند از: ارتکاب زنا، ارتکاب لواط، انجام قذف، ارتکاب سرقت، شرب خمر، ارتکاب نزدیکی با حیوانات. همچنین در برخی روایات آمده است که برای عادت کردن کودک به عبادت، تنبيه جایز است.<sup>۵</sup>

یکی دیگر از مواردی که تادیب و تنبيه کودکان در آن جایز شمرده شده است و روایاتی از ائمه معصومین (علیهم السلام) در این باب وجود دارد و به تبع آن فقها نیز فتاوی در این باب صادر کرده‌اند، تربیت و فراگیری علم است. از امام صادق

<sup>۲</sup> دادگاه صالح در رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان، دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان است.

<sup>۳</sup> مستند این فتوا روایت صحیح ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) است که فرموده‌اند: اگر کودکی به سن ده سالگی یا بیش‌تر رسیده با زنی زنا نماید، بر زن اجرای حد می‌گردد و کودک نیز به کم‌تر از حد تادیب می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق-ب).

<sup>۴</sup> بین فقها اختلافی نیست در این‌که در اجرای حد سرقت بر سارق، بلوغ و عقل در وی شرط است، بنابراین اگر کودک مرتکب سرقت شود، مشمول حد سرقت قرار نمی‌گیرد، بلکه تادیب می‌گردد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق). البته در کیفیت و نوع تادیب او نظریات مختلفی ابراز شده است.

<sup>۵</sup> از امام باقر و صادق (علیهما السلام) نقل شده است که کودک را تا سن هفت سالگی به حال خود واگذارید، بعد از هفت سالگی وضو و نماز را به وی بیاموزید و از او درخواست کنید تا نماز بخواند و تا نه سالگی با مدارا با او رفتار کنید، بعد از آن، او را به خواندن نماز امر نمایید و اگر کوتاهی کرد و نیاز شد، تادیب کنید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق-الف).

(علیه‌السلام) نقل شده است که کودکان مکتبی نوشته‌های خود را نزد امیرالمومنین (علیه‌السلام) آوردند تا بهترین آن‌ها را انتخاب کند. امیرالمومنین (علیه‌السلام) فرمودند: این کار قضاوت است و ظلم در آن مثل ظلم در قضاوت می‌ماند. سپس فرمودند: به معلم خود بگویید: اگر بیش‌تر از سه ضربه برای تادیب به شما بزند قصاص خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق). از مضمون روایت استفاده می‌شود که تنبیه کودک بخاطر یادگیری علم جایز است و بحث در مقدار آن می‌باشد. همچنین، شیخ طوسی در این باره می‌گوید: به اجماع فقها جایز است معلم صبی را تادیب نماید (گلبایگانی، ۱۳۷۲). بنابراین، می‌توان برداشت نمود که استفاده از تنبیه در مدارس توسط معلم، از نظر فقهی ایرادی ندارد، مشروط بر آنکه میزان تنبیه به کار گرفته شده توسط معلم، دارای شرایطی باشد.

برای مشخص شدن میزان مجاز تنبیه از نظر فقها به استفتائات برخی مراجع عظام تقلید در این باره اشاره می‌شود. حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی به پرسش: «معلمی هستم در برخی موارد دانش‌آموزان برای یادگیری علم و یا ادب لازم است تنبیه شوند و در غیر این صورت نظم کلاس را به هم می‌زنند آیا می‌توانم آن‌ها را برای این اهداف تنبیه کنم؟» پاسخ دادند: «تنبیه بدنی دانش‌آموزان جایز نیست، مگر اینکه بخاطر تربیت آن‌ها لازم باشد، و با اجازه ولی صورت گیرد، و موجب جراحت و کبودی بدن نشود. و با توجه به اینکه در شرایط فعلی آثار منفی آن بیشتر است، لازم است حتی‌الامکان از آن صرف‌نظر گردد». همچنین، ایشان در پاسخ به پرسش: «معلمین مدارس گاهی از اوقات مجبور می‌شوند، جهت نظم کلاس و یادگیری بیشتر بچه‌ها، آن‌ها را تنبیه کنند، البته لازم به ذکر است که با حفظ مراتب تنبیه، یعنی تذکر، نگاه تند، تهدید به دادن نمره کم و امثال‌ذلک می‌باشد و در نهایت مجبور به زدن آن‌ها می‌شوند که این زدن ممکن است در دست یا بدن آن‌ها سرخی و کبودی ایجاد کند، سؤال این است که آیا حرمت یا ضمانتی در کار است؟» فرمودند: «باید حتی‌الامکان از تنبیه بدنی صرف‌نظر کرد و در صورت ضرورت باید با اجازه خاص یا عام ولی کودک باشد و کاری که سبب دیه شود انجام ندهند و در صورتی که موجب دیه گردد ضامن می‌باشد و به‌طورکلی با توجه به آثار منفی تنبیه بدنی تا ممکن است باید از آن پرهیز کرد».

به علاوه، حضرت آیت‌الله سیستانی هم به پرسش: «تنبیه دانش‌آموزان از لحاظ شرعی جایز است یا خیر؟» پاسخ دادند: «اگر منع آن‌ها از کاری که نباید انجام بگیرد بدون تنبیه بدنی ممکن نباشد زدن به آرامی و بمقدار سه ضربه نه بیشتر با اجازه ولی آن‌ها جایز است و اگر بدن آن‌ها قرمز یا کبود شود دیه واجب است». همچنین، حضرت آیت‌الله گلبایگانی در پاسخ به سؤال: «آیا معلم می‌تواند بدون اجازه ولی طفل، جهت آموزش، او را بزند یا خیر؟» فرمودند: «جواز کتک زدن شاگرد جهت تادیب شرعی با اجازه ولی شرعی اگر موجب دیه نشود بطور آرام بعید نیست و اگر جای ضرب، به سرخی یا کبودی یا سیاهی تغییر رنگ بدهد جایز نیست و معلم ضامن دیه است». حضرت آیت‌الله بروجردی هم در حکم تنبیه بدنی دانش‌آموز فرموده‌اند: اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، ولی یا معلم او می‌تواند به قدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند (کریمیان، ۱۳۸۷).

از مجموع استفتائات ارائه شده از مراجع عظام تقلید شیعه در خصوص جواز و میزان تنبیه دانش‌آموز توسط معلم می‌توان بیان کرد که در دین مبین اسلام، آخرین درجه تنبیه بدنی است و آن‌هم در شرایطی است که بجز تنبیه بدنی، سایر روش‌ها موثر واقع نشود؛ وگرنه تا وقتی راه اصلاح و تادیب کودک منحصر به تادیب نباشد یا کارآیی روش تنبیه در مواردی خاص بیش‌تر و یا بهتر از روش‌های دیگر نباشد، استفاده از تنبیه جایز نخواهد بود، بلکه به دستور آیه ۳۴ سوره مبارکه فصلت، باید از روش بهتر استفاده شود. به علاوه، میزان آن‌هم در حدی است که اثر کبودی و سرخی در بدن دانش‌آموز ایجاد نگردد.

در خصوص اینکه آیا تادیب دانش‌آموز توسط معلم به اذن و اجازه ولی او نیاز دارد یا خیر، مرحوم آیت‌الله سیدمحمدرضا گلبایگانی فرموده‌اند: معلم در تادیب استقلال ندارد و به اذن ولی نیاز دارد، زیرا اگرچه ممکن است، معلم از تادیب قصد خیر

<sup>۶</sup> وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند!

و اصلاح کودک را در نظر داشته باشد، ولی چه بسا پدر این‌گونه نیاندیشد و راضی نباشد که فرزندش را کتک بزنند تا علم بیاموزد (گلیپایگانی، ۱۳۷۲). لازم بذکر است که بر اساس مطالب مذکور، جواز معلم در تادیب و تنبیه دانش‌آموز تنها زمانی متصور است که در جهت تربیت و یادگیری وی باشد و نه از روی خشونت، اختلال عصبی و یا قصد دیگری، همانگونه که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از ادب نمودن کودکان در وقت غضب نهی فرموده است<sup>۷</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق-ب).

### بررسی حقوقی تنبیه دانش‌آموز

برای بررسی حقوقی تنبیه دانش‌آموزان توسط معلم و کارکنان مدرسه، ابتدا باید پرسید که آیا در قوانین و آیین‌نامه‌ها تنبیه مجازی تعیین شده است، که در صورت تخلفی دانش‌آموز از قوانین مدرسه بتوان آن تنبیه‌ها را بر وی اعمال نمود یا خیر؟ پاسخ این سوال مثبت است. در ماده ۷۸ آئین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ تنبیهات مجاز در مدارس مشخص شده‌اند. برابر ماده مزبور: «دانش‌آموز موظف است ضوابط و مقررات مدرسه (اعم از منشور اخلاقی مدرسه، منشور دانش‌آموزی و مقررات انضباطی و وظایف دانش‌آموزی) را رعایت کند. دانش‌آموزانی که راهنمایی‌ها، مشاوره‌ها و چاره‌جویی‌های مدرسه در چارچوب نظام ترغیب و تشویق و تنبیه در آن‌ها مفید و مؤثر واقع نگردد، با رعایت تناسب با نوع تخلف، با روش‌های زیر با آنان رفتار می‌شود: ۱- تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی، ۲- دعوت از ولی دانش‌آموز و توجیه جهت پیگیری موضوع، ۳- اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز، ۴- تغییر کلاس، در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش‌آموز، ۵- اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز، حداکثر برای مدت سه روز، و ۶- انتقال به مدرسه دیگر».

البته در ماده ۸۰ آیین‌نامه اخیرالذکر برای اعمال تنبیهات هم شرایطی ذکر شده است: «در اعمال روش‌های آگاهی‌بخشی (تنبیهی) دانش‌آموزان، توجه به موارد زیر الزامی است: ۱- توجه به نقش روشنگرانه و آگاه‌کنندگی تنبیه، ۲- توجه به شرایط جسمی و روانی، سنی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموز، ۳- تناسب بین روش تنبیهی با تخلف دانش‌آموز، ۴- رعایت ترتیب و تدریج در اعمال تنبیه، ۵- وضوح خیرخواهی مدرسه برای دانش‌آموز و ولی وی، ۶- اجرای به موقع تنبیه و وجود فاصله زمانی منطقی بین وقوع تخلف و اجرای تنبیه، ۷- ارائه شیوه‌های جبران تخلف به دانش‌آموز برای جبران خطا و تخلف خود، ۸- حفظ آبرو و کرامت انسانی دانش‌آموز، ۹- آگاه کردن دانش‌آموز نسبت به نتایج نامطلوب رفتار خویش برای اصلاح آن، ۱۰- عدم تبعیض و استثناء بین دانش‌آموزان در اعمال تنبیه». با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که نوع و روش تنبیهات مجاز در مدارس در آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ تصریح گردیده است و هرچه برخلاف آن صورت پذیرد غیر قانونی می‌باشد.

در خصوص امکان تنبیه فیزیکی دانش‌آموز برای معلم و کارکنان مدارس در دو ماده اخیرالذکر چیزی مشاهده نشد، به عبارت دیگر، با عدم ذکر امکان تنبیه فیزیکی در تنبیهات مجاز، عملاً چنین تنبیهی ممنوع شده است، اما حساسیت مسئله آنچنان بالاست که قانونگذار در ماده ۸۱ آیین‌نامه مزبور، صراحتاً ممنوعیت آن را بیان کرده است: «ماده ۸۱- تنبیه بدنی دانش‌آموز و سوء رفتار با وی به هر دلیل و تحت هر شرایطی ممنوع است و با متخلفین برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. مدیر مدرسه می‌بایست همکاران خود را نسبت به امور انضباطی (ممنوعیت تنبیه بدنی و سوء رفتار با دانش‌آموز) آگاه کند».

گفته شد که تنبیه فیزیکی و توهین به دانش‌آموز توسط معلم ممنوع می‌باشد؛ حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که در صورت بروز چنین رفتاری از سوی معلم و کارکنان مدرسه، چه کیفر و مجازاتی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است؟ با توجه به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... پ - هرگاه مرتکب

<sup>۷</sup> نهی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله عن الأدب عند الغضب.

قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده‌است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد»، چون دانش‌آموز به خصوص دانش‌آموز مقطع ابتدایی بخاطر اندام بدنی ضعیف و کوچکی که دارد، تحمل کمتری نسبت به یک تنبیه که ممکن است خیلی هم شدید نباشد، دارد و به علاوه، معلم نیز به ضعف و سایر شرایط و بیماری‌های احتمالی دانش‌آموز نیز آگاه است؛ تنبیه بدنی دانش‌آموز جنایت عمدی تلقی می‌گردد.

به علاوه، مطابق ماده ۶۱۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه شش محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود». در نتیجه، با توجه به مقرر ماده ۲۹۰ قانون مزبور، تنبیه بدنی دانش‌آموز علی‌الخصوص دانش‌آموز مقطع ابتدایی، جنایت عمدی بوده و مشمول مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۶۱۴ این قانون خواهد بود.

علاوه بر تنبیه بدنی، توهین و تعیین تکالیف غیرمتعارف هم جزو تنبیهات غیرمجاز دانسته می‌شوند. این مورد در قانون مجازات اسلامی هم جرم انگاری شده است و وفق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مجازات آن بدینگونه خواهد بود: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». البته لازم بذکر است که ملاک تحقق توهین را باید قضاوت عرف دانست. البته هر نوع توهین عرفی را هم نمی‌توان لزوماً یک جرم تلقی کرد (آقای نی، ۱۳۸۹). در این جرم، صرف وقوع عنصر مادی برای تحقق جرم کافی است و سوء نیت خاصی مورد نیاز نیست، چرا که قصد مجرمانه و سوء در این جرم، مفروض و بی‌نیاز از اثبات است، در واقع ماهیت رفتار توهین آمیز به خودی خود کاشف از قصد مرتکب است (اردبیلی، ۱۳۸۹). از دیگر ویژگی‌های جرم توهین، لزوم مشخص بودن طرف آن است، چرا که توهین از جمله جرایم عمدی است که باید عمد مرتکب نسبت به طرف خودش محرز باشد.

حال این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که در صورت بروز چنین رفتارهایی از سوی معلمان و کارکنان مدارس، اولیاء دانش‌آموز چگونه می‌توانند علیه فرد خاطی اقامه دعوی نمایند؟ با توجه به بند دوم ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، اگر کارمندی در انجام وظایف محوله، قوانین و مقررات مربوطه را از روی عمد یا ناآگاهی نادیده گرفته و نقض کند، مرتکب تخلف اداری شده و قابل تعقیب در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است، می‌توان نتیجه گرفت که اگر معلم یا هر یک از کارکنان مدرسه مبادرت به تنبیه بدنی دانش‌آموزان که طبق ماده ۸۱ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰<sup>۸</sup> ممنوع گردید، ورزند، مرتکب تخلف اداری شده و والدین دانش‌آموز می‌توانند موضوع را با طرح شکایت به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان، مستقر در هر وزارت‌خانه اعلام و پیگیری کنند تا پس از رسیدگی به تخلفات آنان در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری آنان، محکوم به یکی از انواع مجازات‌های انتظامی مقرر در ماده ۹ این قانون

<sup>۸</sup> ماده ۸۱ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰: تنبیه بدنی دانش‌آموز و سوء رفتار با وی به هر دلیل و تحت هر شرایطی ممنوع است و با متخلفین برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. مدیر مدرسه می‌بایست همکاران خود را نسبت به امور انضباطی (ممنوعیت تنبیه بدنی و سوء رفتار با دانش‌آموز) آگاه کند.

شوند. همچنین این نکته قابل ذکر است که عدم انجام تکلیف از سوی مدیر مدرسه در گزارش تخلف ذکر شده، خود از مصادیق تخلف اداری به شرح بند ۲ ماده ۸ قانون ذکر شده خواهد بود. به علاوه، باید اشاره نمود که اگر تنبیه صورت گرفته توسط معلم یا کارکنان مدرسه با یکی از مصادیق مجرمانه مطابقت داشته باشد، از لحاظ کیفری هم قابل پیگیری است. در اینصورت اولیاء دانش‌آموز آسیب‌دیده می‌توانند بر اساس تشریفات مقرر شده در قانون آیین دادرسی کیفری، اقدام به اقامه دعوی علیه فرد خاطی نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

تنبیه یکی از روش‌های تربیتی است که می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی باشد. تنبیه مثبت، روشی است که به ترور کار بد معروف است و تنبیه منفی، روشی است که به ترور شخصیت معروف است. تنبیهی مورد قبول روانشناسان و متخصصان است که بجای تحقیر و خرد کردن شخصیت کودک، کار بد وی را مورد مزمت قرار دهد. در مقاله حاضر تنبیه دانش‌آموز از لحاظ فقهی و حقوقی مورد بحث قرار گرفت. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که تنبیه بدنی که از دیدگاه فقهای امامیه مورد تایید است، به عنوان مرحله آخر تنبیه و در صورت کارساز نبودن سایر روش‌های تربیتی آن‌هم به طوری است که اولاً، اولیاء دانش‌آموز جواز تنبیه بدنی را به معلم داده باشند و ثانیاً، در حدی باشد که موجب سرخی یا کبودی بدن دانش‌آموز نگردد، در غیر اینصورت، معلم ضامن خسارت وارده به دانش‌آموز می‌باشد.

همچنین با توجه به مطالب بیان شده و با عنایت به آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰، برخی تنبیهات مجاز برای اعمال در مدارس مشخص شده و تنبیه بدنی و توهین به دانش‌آموز، تحت هر شرایطی ممنوع اعلام شده است. البته اینکه تنبیه بدنی دانش‌آموز در قانون ممنوع اعلام شده است اما فقها آن را با شرایطی مجاز دانسته‌اند اینست که فقها شرط این عمل تربیتی را داشتن جواز از اولیاء دانش‌آموز می‌دانند که امروزه با توجه به ناممکن بودن دریافت جواز از اولیاء دانش‌آموزان، قانونگذار عملاً تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرده است. در صورت بروز رفتار مغایر قانون از سوی معلم یا کارکنان مدرسه، اولیاء دانش‌آموز می‌توانند با طرح شکایت به هیات رسیدگی به تخلفات اداری و دادرها، علیه فرد خاطی اقدام نمایند.



منابع

- قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص - شخصیت معنوی)، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر میزان.
- حر عاملی - الف، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، جلد ۴، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام.
- حر عاملی - ب، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، جلد ۲۸، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، جلد ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- کریمیان، حسین (۱۳۸۷)، «تنبیه و نقش آن در تربیت با نگرش اسلامی»، ماهنامه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۳۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الفروع من الکافی، جلد ۷، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۳۷۲)، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد ۲، قم، دار القرآن الکریم.
- مردانی نوکنده، محمدحسین و عنایتی، عباس (۱۳۹۴)، «شیوه، روش و ماهیت تنبیه در حکایات قرآن»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، ۲۷ آبان ماه، تهران، ایران.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۶، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.